

دومان

حسین منزوی

تورکو شعرلر
(۱۳۷۷-۱۳۵۸ش)

سرشناسه: منزوی، حسین، ۱۳۲۵-۱۳۸۳
عنوان و نام پدیدآور: دومان / حسین منزوی.
مشخصات نشر: تهران، فصل پنجم، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص.

شابک: 978_600_304_325_1

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: شعر ترکی - فارسی

رده‌بندی کنگره: ۷۸۴ د ۹۱۳۹۵ / م ۳۱۴ PL

رده‌بندی دیوبی: ۸۹۴ / ۳۶۱۱

شماره ثبت کتاب ملی: ۴۱۳۳۶۱۸



فصل پنجم

ناشر تخصصی شعر

دومان

حسین منزوی

مترجم: بهروز منزوی

ناشر: فصل پنجم

چاپ اول: بهار ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

ویراستار بخش ترکی: علی محمد بیانی

ویراستار بخش فارسی: ابراهیم اسماعیلی اراضی

طراح جلد: مریم حائری

پردازش عکس روی جلد: مجتبی نادرخانی

صفحه آرا: محسن بیگی

شابک: ۱-۳۲۵-۳۰۴-۶۰۰-۹۷۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

صندوق پستی ناشر: ۴۵۱-۱۳۱۴۵

مرکز بخش: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه مهدیزاده، شماره ۴، واحد ۱۰

تلفن: ۶۶۹۰۹۴۷ - ۰۹۱۲۱۵۹۱۸۹۱ - تلفکس: ۶۶۹۰۹۸۴۸

fasle5.1386@gmail.com

www.Fasle5.ir

Instagram: fasle5

فهرست

مقدمه‌ی بهروز منزوی / ۱۱

دومان / بخش ترکی / ۲۱

غزل‌لر / ۲۷

دایه فانسو / گولمه گوله، گول اوتانیر / ۲۹

نیس گیل / آریه تیلیج کیمی، گول‌لری آیاز / ۳۱

غزلین غزلی / ایچ گؤزون قوی یوخودان گول‌لر اویانسین غزلیم! / ۳۵

اینجی / ای برتو / سنوده لیلایه چکن ایلهامیم! / ۳۷

خیال سوروشو / ای سسنا / وحوم‌دا، یئل کیمی آسن / ۳۹

عشق اولماسا / توتقور / آسان قارادیر غمنن / ۴۱

قار، شخته / شخته! سنه سم دندن، گوی دن یثره آندیر قاری؟ / ۴۳

پنجره دالیندان / عقیل دیبیر: اور فویما عذقه ساری / ۴۴

قوشمالار / دؤردلوک‌لر / مخمس‌لر / ۴۶

هاچان / سؤنموش چیراغ‌لارین ایشیق حسرتی / ۴۸

عاشیق / چال «چوقور» ون، اوخو، سسی سسه قات / ۵۱

باهار سوغاتی / اربمیش قارلاردا، ایز آچا- آچا / ۵۳

هاردان هارا / اوزاق یول‌لاردان گلن یار! / ۵۷

دخمه / بوغونتو بورویوب گنجه گوندوزو / ۶۰

سفر سوغاتی / جادا گئدیر، من گئدیرم، چای گئدیر / ۶۷

قارانتی / من سنین چین «شعر تر» دن نه یازیم؟ / ۶۹

سربستلر / ۷۱

باھارا باخیش / گنه گول له نه جک، قورو باغچالار / ۷۳
 آی بئچارا، بختی قارا / گۆرن ایستیر قورو جانین / ۷۵

ایته لار / ۸۱

۱ / عزیزیم! یالقوز قالدیم / ۸۳
 ۲ / غور و سۆز، یالان سۆز / ۸۵
 ۳ / قیزیم قیزیم، قیزیم / ۸۶
 ۴ / عزیزیم سن، سونم سن / ۸۸
 ۵ / داغلاری دومان الس / ۸۹
 ۶ / آلمیشام یئل دن سنی / ۹۴
 ۷ / بولوتونان آغلاشدیق / ۹۷
 ۸ / دیل سیز دانیشلی گۆزلر / ۹۸
 ۹ / گول آچمیر باغین، اولدوز! / ۱۰۰

باشقا شعرلر / ۱۰۱

قوشماجا / او یان دره، بو یان دره / ۱۰۳
 گۆزله! / تانی مخاطبوی هر زامان گیرنده سۆزه / ۱۰۸

بخش فارسی / ۱۰۹

غزل‌ها / ۱۱۷

انوس دریایی / به گل نهند آب می‌شه از شرم، آب / ۱۱۹

حسرت / کشیده تیغ خزان و زده‌ست برگزار / ۱۲۱

زل «غزل» / غزل / ۱۲۴

گهر / ی کشا، همه در حسن به لیل، الهام! / ۱۲۸

پرسش خیل / صدای چو نسیم تو به جانم وزان / ۱۳۰

اگر عشق نباشد / چو آن سیاهت گرفته است از غم / ۱۳۲

برف - سرما / آه‌ی ننه / ۱۳۴

از پشت پنجره / عظم‌گرده / روی عشق مکن روی، هان! / ۱۳۶

شعرهای هجایی / چارپاره‌ها / ۱۳۹

کی؟ / حسرت نور چراغی که کنون افروخته‌ست / ۱۴۱

عاشق / بزن! بخوان! صداها را درآمیز! / ۱۴۲

ارمغان بهار / گشوده در دل برف آبراهه‌ای باریک / ۱۴۳

از کجا به کجا / ای آمده ز راه‌ها و دورها / ۱۴۹

دخمه / راه نفس بسته‌ست بر روز و شب / ۱۵۲

سوغات سفر / می‌گذریم اینک من و رود و راه / ۱۵۹

ظلمت / بگو برای تو از شعر تر چه بنویسم؟ / ۱۶۱

شعرهای آزاد / ۱۶۵

در انتظار بهار / به گل می‌شینن دوباره باغچه‌ها / ۱۶۷
ای ناگزیر، ای سیه‌بخت! / جان زار و نزارش را / ۱۶۹

ایستاده‌ها / ۱۷۳

- ۱ / بریزم بکّه و تنها بماندم / ۱۷۵
- ۲ / روح و راست را درهم نشانده‌ست / ۱۷۷
- ۳ / دخترکم! خدّ گل چادرم! / ۱۷۸
- ۴ / عزیز من! دمه و منی تو / ۱۸۰
- ۵ / شکوه کوه در مه، ما و ده‌ست / ۱۸۱
- ۶ / تو را از دست باد بدره‌اندم / ۱۸۶
- ۷ / شدم همگریه با ابر بهاری / ۱۸۹
- ۸ / بی‌زبانان سخنگو، چشم‌ها / ۱۹۰

سایر شعرها / ۱۹۲

- ۹ / ستاره‌جان گل‌افشان نیست باغت / ۱۹۲
- قوشماجا / «این طرف درّه، اون طرف درّه» / ۱۹۵
- به هوش! / حریف خود بشناس و سپس به گفتن کوش / ۲۰۰

نمونه‌هایی از نسخه‌ی دست‌نویس دومان / ۲۰۱

مقدمه‌ی بهروز منزوی

«شاید وقتی دیگر» از گره‌هایی که این همه سال در کار چاپ اشعار ترکی حسین منزوی افتاده بود سخن به میان آورم ولی از آنجا که شرح و بسط مشکلات - که البته در گذشته و حال، هیچ ربطی به هیچ مرجع رسمی نداشته‌اند - جز یادآوری تلخی‌ها، الود، شیرینی انتشار این دفتر، هیچ سود و ثمری ندارد، در می‌گذارم؛ اما در عین حال، از آن روی که خود را موظف به توضیح رفته‌ام بین مخاطبان شعر آن بزرگ می‌دانم، تنها به این نکته بسنده می‌کنم که این اشعار - طبق قراردادی که خود شاعر منعقد کرده بود - در اختیار ناشری بود که بالاخره پس از ۱۰ سال، آن قرارداد فسخ شد و شعرها قانوناً در اختیار این حقیر قرار گرفت. در این میان، به سبک اگر حمایت‌های مادی و معنوی آقای ناصر مقدم، مدیرکل محترم اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان و انگشتان گر دستان به مدد نمی‌رسید، روی ماه این دفتر همچنان در محاق می‌بود. از ایشان قدردانی می‌کنم و چون حتی راضی به ذکر نامی ایشان - در این مقال نبودند، تفصیل نمی‌دهم. در این داستان لازم است از همشهری شاعرم علیرضا بازرگان که طرف مذاکره با ناشر بودند نیز تشکر کنم.

همچنین از آقای علی محمد بیانی - همشهری فاضلم - که با

۱. چون یکی از شروط مندرج در فسخ‌نامه، آوردن نام ناشر مذکور در مقدمه‌ی کتاب بود، اسمشان را می‌آورم.
آقای رسول صالحی فرد

افتخار و بی هیچ توقعی، امانتدارانه کار سنگین تبدیل رسم الخط شخصی شاعر به رسم الخط معیار ترکی امروزی را به عهده گرفتند ممنونم. ایشان کارهای صورت گرفته در این خصوص را به درخواست من در بخشی مجزا شرح داده‌اند که خواهید دید. از آقای پروین بیگی - شاعر پیشکسوت و مدیر محترم نشر فصل پنجم - نیز سپاسگزارم که به رسم جوانمردان قدیم به «حرف»‌هایی که مانع مارد و بدل شده بود - محکم‌تر از هر قرارداد رسمی - پیوسته و پاینده ماندند تا کار به سامان رسید. از ابراهیم اسماعیلی، افاضی هم‌ممنونم که چون همیشه در کنار ما بود و با مادم زد و تلافی بی‌شائبه‌اش در انتشار این دفتر، مثال‌زدنی است.

در مورد برگردان فارسی اشعار هم نکات قابل عرضه وجود دارد که به اختصار به آنها اشاره می‌کنم: اول اینکه اهل فن، خود بهتر از من می‌دانند که امر لا ترجمه، کار سخت و دشواری است و این سختی و دشواری در ترجمه شعر، تبدیل می‌شود به کاری سخت دشوار و ترجمه شعر شاعری چون حسین منزوی بزرگ... خدا می‌داند که صفتی برایش پیدا نمی‌کنم! بنابراین مخاطب عزیز شعرهای منزوی - مخصوصا مخاطب فارسی‌زبانی که با او بر بال شعرهایش تا اوج، تا آسمان پریده است - انتظار نداشته باشد که در ترجمه‌ی

اشعار ترکی اش هم با زبان بلند و شیوهی شیوای آن بی همال
رو به رو شود؛ آخر، من بال ندارم و در همین پایین ها روی زمین
راه بروم و زبانم زمینی ست و او باید ناتوانی هایم را بیخشاید
و بر من نگیرد! (در این میان، ظرافت و شگردهای شعری زبان
بسیار وسیع شیرین ترکی و سختی ترجمه‌ی عین آن ظرافت‌ها
را هم باید در نظر گرفت).

دوم اینکه در ترجمه، سعی من و ترجیح من بر وفاداری به
عین مضامین بوده است و تازه پس از آن اگر توانسته‌ام اندکی
در حد ذوق و دانش خود به ذات شعر که زیبایی ست نظر
کرده‌ام. ترکان پارسی‌دان و پارسی‌خوار می‌دانند که تبدیل وزن
شعر ترکی که بر پایه‌ی «هجا» ست به وزن شعر فارسی که
عروضی ست، آسان نیست؛ بر همین اساس من نیز بر اساس درک
و برداشت حسی خود، گاهی برای ترجمه، نزدیک‌ترین وزن
عروضی به اصل شعر را برگزیده‌ام و گاهی نیز خود وزن، خود
را برگزیده است؛ کما اینکه در ترجمه‌ی فارسی بعضی اشعار، از
وزن هجایی استفاده کرده‌ام که به هر حال آزمونی ست.

همچنین در نحو و بیان و شیوه‌ی زبانی ترجمه نیز با توجه به
حال و هوای هر سروده و نیز دانسته‌هایم از حس و حال شاعر در
هنگام سرایش و شأن نزول آن، نحوه‌ی بیان را انتخاب کرده‌ام
و همه‌ی اینها به اضافه‌ی اینکه سر مشق اصلی‌ام در این کار،

ترجمه‌ی بی‌بدیل «حیدر بابا»ی «شهریار» مان به قلم «حسین منزوی» بوده است.

در پایان با اذعان به اینکه هرگز آدم شکسته‌نفسی نبوده‌ام، فروتنانه نتوانی‌های ترجمه را در مقابل توانمندی‌های موجود در متن اصلی زیاد می‌دانم. از روح جاودانی برادرم طلب عفو می‌کنم.

بر هر دو عرض می‌دانم که تشکر کنم از: همسر و پسر، ازینکه با کمال ذوق در پیدا کردن معانی برخی لغات و معادل‌ها کمک کردند.

برادرزاده‌ی شاعرم «غزل» عزیز و همسر شاعرش رضا رضائی و نیز همشهری شاعرم «سید علی» با بازرگان که در خصوص این ترجمه، پیشنهادهای کاربردی ارائه دادند.

و برادر شاعرم ابراهیم اسماعیلی را نیز گرامی می‌دانم که هم در اصلاح رسم الخطی ترجمه - مخصوصاً آنچه که در زبان گفتاری به کار برده‌ام - به یاری آمد و هم طبق خواستی اکید خودم با دیدی انتقادی و به دور از تعارفات مرسوم، در نحو و نگارش و نحوه‌ی نگارش ترجمه، نظرات بسیار مؤثر و درست ارائه داد که از آنها در بسیاری موارد با طیب خاطر استفاده کردم. و عذرخواهی از او که هر قدر به «لطایف الحیل» خواست از بردن نام او در این مقدمه منصرف شوم، نتوانست.

یا علی

بهروز منزوی - فروردین ۹۵ - زنجان